

# کودک را ببینید!

## ادبیات کودک در سوئد

Gunilla Boren (سخنرانی در مصر)

مترجم: نسرين وکیلی

است و این که کتاب‌های کودک، چگونه می‌توانند با مراحل مختلف رشد طبیعی کودکان هماهنگ باشند. کودکان در کتاب‌های خود، خودشان، بازی‌ها و پرسش‌های شان و ارتباطشان با والدین و دوستان خود را می‌شناسند. به هر حال، صحبت‌های امروز من، حول محور نوجوانان خواهد بود.

هر ساله کتاب‌های بسیاری در سوئد چاپ می‌شود که همه انواع ماجراجویی، فانتزی، داستان‌هایی دربارهٔ مدرسه، افسانه‌های پریان و انواع دیگر را شامل می‌شود. اما مهم‌ترین نکته این است که محور، خود مخاطبان کتاب باشند. این کتاب‌ها رو به سوی بچه‌ها دارند و موضوع کتاب‌ها افکار، مسائل و پرسش‌های آن‌هاست.

کتاب‌ها به پرسش‌های مشکل و تجربیات تلخ مخاطبان، بی‌تفاوت نمی‌مانند. اجازه بدهید چند مثال بزنم. اگر (خدای نکرده) مادر یا خواهر شما بمیرد، آیا می‌توانید هم‌چنان خوشحال باقی

از این که مرا به این کنفرانس دعوت کردید، سپاسگزارم و از این که در این جا از ادبیات کودکان سوئد خواهم گفت، خوشحالم. علاوه بر شغل‌هایی که دارم، نماینده IBBY در سوئد هستم. دیدگاه IBBY این است که کتاب پلی است میان کشورهای مختلف. من درباره آن چه ما برای کودکان سوئدی می‌نویسیم، خواهم گفت. امیدوارم بتوانم بگویم که ما - کشوری در شمال اروپا - به کودکان و کتاب‌های آن‌ها چگونه می‌نگریم.

امیدوارم من هم با دیدگاه‌های شما مصریان نسبت به کودکان آشنا شوم و بدانم که کودکان مصری چه نوع کتابی می‌خوانند. به این ترتیب، پلی دوطرفه ایجاد خواهد شد. به هر حال، امیدوارم بتوانم شما را از آن چه ما برای کودکان خود می‌نویسیم، مطلع کنم و بگویم چطور با کتاب‌ها و بچه‌ها کار می‌کنیم و از نظر ما چه چیزهایی در این کتاب‌ها اهمیت دارند.

نمایشگاه «کودک را ببینید»، درباره کودکان

بمانید؟ می‌توانید لبخند بزنید و باز هم بخندید؟ اگر چنین کنید، آیا به این معنا نخواهد بود که بر خاطرات مربوط به عزیز از دست رفته خود، سرپوش گذاشته‌ایم؟ در کتابی به نام آنجل در برف، نوشته Gull Akerblam و کتاب دیگری به نام آنجل در لباس سبز، نوشته Anita Ekland - Lykull، داستان با مرگ پدر و مادر، در یک سانحه رانندگی آغاز می‌شود.

در هر دو کتاب، دختر نه تنها در غم از دست دادن پدر و مادر خود سوگواری می‌کند، بلکه دوستانش را هم از دست می‌دهد. در یکی از

## ● این تجربه که همه کودکان جهان پرستش‌ها و احساس‌های اساسی مشترکی دارند، تجربه بارزنی است. این فکر که مردمانی که در سرزمین‌های متفاوت زندگی می‌کنند، سنت‌های متفاوت دارند، فکر بارزنی است

کتاب‌ها، دوستان نوجوان دختر نمی‌دانند که با کسی که پدر و مادرش را از دست داده است، چگونه برخورد کنند. آن‌ها دست و پای خود را گم می‌کنند و نمی‌دانند چه بگویند و چگونه رفتار کنند. بنابراین، فقط خود را کنار می‌کشند. در کتاب دیگری که قهرمانش یک دختر حدوداً ۱۰ ساله است، دختر دچار افسردگی می‌شود، از دوستان خود فاصله می‌گیرد و مدتی طولانی از مدرسه رفتن سر باز می‌زند، اما به مرور به زندگی عادی

خود بازمی‌گردد و سپاسگزار دوستان وفادار خود است. داستان این کتاب، واقعاً زیبا و احساس برانگیز است و در عین حال، نشان می‌دهد با دوستانی که غمی در دل دارند، چگونه رفتار کنیم.

مثال دیگر: زمانی که پدر و مادر شما با یکدیگر بحث می‌کنند و از هم جدا می‌شوند، آیا ممکن است تقصیر متوجه شما باشد؟ معمولاً وقتی مشکلی در خانواده به وجود می‌آید، حتی بدون هیچ دلیلی، بچه‌ها خود را مقصر می‌دانند. در برخی از خانواده‌ها، مشکل بسیار بسیار دردناک است؛ مانند اعتیاد، خیانت، زنا با محارم، کتک‌کاری پدر و مادر و کتک زدن بچه‌ها. در کتاب‌ها به این مسائل هم توجه می‌شود. وقتی کودک یا نوجوانی می‌فهمد که در این جهان، او تنها کسی نیست که دچار چنین مشکلی است، قدری آرامش می‌یابد. البته بیش‌تر داستان‌های خانوادگی، چنین فضای تیره‌ای ندارند. در این داستان‌ها، وقایع روزمره زندگی، مانند تولد خواهر یا برادر، آرزوی داشتن یک سگ و امتناع از شرکت در میهمانی‌های خانوادگی، به علت خسته‌کننده بودن آن‌ها، عنوان می‌شوند.

ممکن است کودک به اولیای خود دروغ گفته و یا چیزی از مغازه‌ای دزدیده باشد یا هر کار دیگری که موجب عذاب وجدان او شود. این عذاب وجدان، تا وقتی او با والدین خود درباره چنین مسائلی گفت‌وگو کند و به راه‌حلی برسند، ادامه خواهد داشت.

بعضی خانواده‌ها بسیار خوشبخت‌اند و اگر بچه‌ها در مدرسه یا در ارتباطشان با دوستان خود دچار مشکلی شوند، پدر و مادر از آن‌ها حمایت می‌کنند. برای مثال، ما داستانی درباره پسر بی‌نسام Tsatsiki، نوشته Moni Nilsson

می‌کنند. طرح چنین موضوعی برای اموری هم که مربوط به مدرسه می‌شود، مفید است. معلم و شاگردها کتاب را با یکدیگر می‌خوانند و بعد در مورد ترس - ترس از خشم والدین و ترس از دانش‌آموزانی که آن‌ها را مجبور به کاری می‌کنند که خود نمی‌خواهند - با همدیگر بحث می‌کنند. یکی از مشکلات بزرگی که در مدارس سوئد وجود دارد، این است که بچه‌ها نسبت به یکدیگر خسیس هستند و دیگر این که دوست دارند جنجال به پا کنند. اولین کاری که معلم می‌تواند انجام دهد، این است که سرکلاس در مورد این موضوع‌ها

Brännström داریم. مادر او زمانی که در یونان بوده، با مرد ماهی‌گیری آشنا می‌شود. حاصل این آشنایی، تولد پسری است که مادر او را Tsatsiki می‌نامد. البته مادر، در این باره چیزی به پدر فرزند خود نمی‌گوید. Tsatsiki تا هفت سالگی که برای دیدن پدرش به یونان می‌رود، هیچ شناختی از او ندارد. بنابراین، او نزد مادر مجرد خود بزرگ می‌شود. البته این مسئله، به هیچ‌وجه به صورت داستانی غم‌انگیز و به صورت مشکل‌آفرین مطرح نمی‌شود. شاید چنین وضعیتی غیرمعارف باشد، ولی داستان به شکلی جذاب، بامزه و پرشور روایت می‌شود.

در داستان Olles new Bike، نوشته Annika Holm، پسر که olle نام دارد، از دست پدر خود زود عصبانی می‌شود و کمی از او می‌ترسد. پدر شیفته پسر خود است و برای خرید دوچرخه قشنگ برای او پول‌های خود را پس‌انداز می‌کند. البته، پسر هم از این موضوع خوشحال است. روز اول، دوروبر خانه و بلوک ساختمانی خودشان، دوچرخه‌سواری می‌کند و حاضر نمی‌شود که آن را به دیگران به امانت بدهد. پسرهای بزرگ‌تر، به او فشار می‌آورند که دوچرخه‌اش را به آن‌ها قرض بدهد و پس از این‌که او چنین می‌کند، ناخواسته دوچرخه را خراب می‌کنند.

olle چه کار می‌تواند بکند؟ پدر دیوانه خواهد شد! پسر بیچاره نمی‌تواند بخوابد. نگران است و سعی می‌کند پدر بویی از خرابی دوچرخه نبرد. یک روز وقتی پدرش می‌گوید یک‌شنبه دیگر همه قاملیل با دوچرخه‌های خود به پیک‌نیک خواهند رفت، دنیا در چشم او تیره و تار می‌شود. سرانجام، او به مادر خود می‌گوید و دونفری بر سر این‌که قضیه را چگونه باید به پدر بگویند، صحبت



این تصویر مربوط به کتاب «رونیا، دختر یک راهزن» اثر آسترید لیندگرن، به تصویرگری ایلون ویکلند است.

با شاگردان صحبت کند. گاهی خواندن کتاب‌هایی درباره جنجال به پا کردن مفید است و اگر از همین زاویه در مورد دوستی و بخشش بحث کنند، می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

یکی از تازه‌ترین کتاب‌هایی که خیلی هم مورد تقدیر قرار گرفته، نوشته Annika Thor

البته بسیاری از کتاب‌ها و شاید بهترین آن‌ها، کتاب‌هایی هستند که موضوع‌شان دربارهٔ سؤالاتی است که هم برای کودکان و هم برای بزرگ‌ترها دارای اهمیت است. اما این بدان معنا نیست که آن‌ها را به شکلی خسته‌کننده درآورند. امروز نمی‌خواهم در مورد آسترید لینگدون که حتماً او را می‌شناسید، صحبت کنم، اما کتاب‌های او نمونهٔ بارزی هستند برای آن‌چه که می‌خواهم تأکید کنم. کتاب‌های لینگدون بسیار زیبا، جذاب و خنده‌دار هستند و به راستی که «نگاه‌شان به کودک است.» آن‌ها وجوه تاریک و روشن بچگی و بازی‌ها و خنده‌ها را قابل لمس می‌کنند؛ هم‌چنان که کودکان رها شده، مرگ و فقر را ملموس می‌کنند.

این فقط زندگی امروزه نیست که در کتاب‌های کودکان سوئد عنوان می‌شوند. رمان‌های تاریخی هم پراهمیت هستند و محبوبیت دارند. این کتاب‌ها علاوه بر سوئدندی‌های دیگر، می‌توانند پلی میان نسل‌ها باشند. این رمان‌ها می‌توانند زمینه‌ساز علاقه و درک ما از تاریخ خودمان باشند و ما را از چگونگی رشدمان از زمان‌های بسیار دور تا حال مطلع کنند. تاریخ فقط درباره پادشاهان و یا اشخاص شرافتمند نیست، بلکه دربارهٔ دخترها و پسرهایی است که در مقایسه با این دوره، در شرایط متفاوتی زندگی می‌کرده‌اند. من سه نمونه برای تان می‌آورم.

یکی از کتاب‌ها به زندگی Kulla-Gulla (این اسم، اسم دوم یک دختر است) می‌پردازد که در اوایل قرن بیستم زندگی می‌کرده. او یتیم است و در یک یتیم‌خانه بزرگ می‌شود. به دوازده سالگی که می‌رسد، باید خودش، خودش را اداره کند. او با خانواده فقیری که بچه‌های زیادی دارند، هم‌خانه

است به نام Thrath or consequence. در این کتاب، دختر قهرمان داستان، وقتی می‌بیند که بهترین دوست او ظاهراً هم‌کلاسی دیگری را به او ترجیح داده، حسادت می‌کند. همین موجب می‌شود که نسبت به آن دختر که زشت و بی‌کس است، خست به خرج دهد و قبل از این که خودش بفهمد چه کاری کرده‌است، به شدت او را تحقیر می‌کند و می‌رنجاند. این کار، نوعی آشوب روانی است و البته، داستان‌های زیادی دربارهٔ ایجاد بلوا نوشته می‌شود که شاید رایج‌ترین آن‌ها، دعوای وحشتناکی باشد که به خصوص میان پسرها درمی‌گیرد.

## ● کتاب‌ها راه‌های شکوهمندی

برای رسیدن به تفاهم

بین‌المللی هستند؛ راه‌هایی

برای رسیدن به صلح جهانی در

آینده. آیا شما راه بهتری

می‌شناسید؟

نوع دیگری از آشوب به پا کردن را در کتاب *Matilda* و *Courage*، نوشتهٔ Annika Holm می‌خوانیم. در این داستان، پسرهای کلاس دخترها را اذیت می‌کنند و معلم وانمود می‌کند که متوجه قضیه نیست. مانند بسیاری از کتاب‌های دیگر سوئدی، در این نوع کتاب‌ها موضوع بر نقش جنسیت متمرکز می‌شود.

آیا مرگ، ایجاد آشوب، ترس از والدین، مسائل و بحران‌ها تنها موضوع‌هایی هستند که در کتاب‌های کودکان سوئد مطرح می‌شوند؟ البته که نه. باید زودتر از این تأکید می‌کردم که کتاب‌های کودکان در سوئد، شامل انواع کتاب‌ها می‌شود.

برادر خود را زمانی که دریابید با مسائل نادرست و شیطانی در ارتباط است، طرد می‌کنید؟ این سؤال است که عملاً امروز هم وجود دارد.

کتاب *سومی* که می‌خواهم از آن نام ببرم، کتابی از *ساریا گریپه* است. او هم یکی از محبوب‌ترین و مشهورترین نویسندگان سوئد است. او و *آسترید لینگرن*، تنها نویسندگان سوئدی هستند که جایزه جهانی هانس کریستین آندرسن را گرفته‌اند. این جایزه جهانی، توسط دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان - IBBY - به نویسندگان داده می‌شود و از آن به عنوان جایزه

می‌شود. مادر خانواده که دچار بیماری سختی شده، به کسی نیاز دارد که سرپرستی بچه‌ها و خانه را به عهده گیرد. خواننده‌های کتاب، از دریچه چشم این دختر کوچک، زندگی فقیرانه‌ای در مزرعه خشک و بی‌حاصل را تجربه می‌کنند و می‌بینند که این زندگی، چگونه متحول می‌شود. این داستان در چندین جلد نگاشته شده و گرچه رمانتیک به نظر می‌آید، بسیار واقع‌گرایانه است. ماجرای دختر را پی می‌گیریم تا زمانی که بزرگ می‌شود و پس از ازدواج با یک مرد جوان، برای تغییر شرایط افراد فقیر و بهتر کردن زندگی آن‌ها تلاش می‌کند.

این کتاب‌ها آینه‌ای هستند که چگونگی زندگی گذشته و نیز تغییرات جامعه را نشان می‌دهند. این شناخت، در قالب داستانی می‌آید که خواننده جوان را سرگرم می‌کند. خواننده در اصل، از داستان و حوادث هیجان‌انگیز آن لذت می‌برد. کتاب‌هایی که در مورد این دختر (کولا گولا Kulla-Gulla) نوشته شده، از پرتعدادترین کتاب‌ها برای دختران ۸ سال به بالاست.

نمونه دیگر، کتاب *The Brather of The Pointing-out-boy* است. منظور از این عبارت، دو برادری است که در قرن ۱۷ زندگی می‌کردند و مردم معتقد بودند که آن‌ها قادرند افرادی را که «نشانه‌های شیطانی» بر بدن خود دارند، شناسایی کنند. به همین دلیل، این امکان وجود داشت که به عنوان جادوگر، محکوم و سوزانده شوند. این اثر، داستانی بسیار عجیب و هیجان‌انگیز، درباره دو برادر فقیری است که در شمال سوئد که منطقه‌ای سردسیر است، برای زندگی خود در تلاش هستند. این داستان درباره خرافه‌های آن زمان است و در عین حال، سؤال‌های مشکلی را مطرح می‌کند: آیا



تصویر آلکونس آبری، نویسنده تصویرگر گونیلایری استروم

نوبل برای ادبیات کودکان نام می‌برند. از میان آثار او، من به کتاب *بچه‌های شیشه‌گر* اشاره می‌کنم. این اثر داستانی بسیار شاعرانه، فلسفی و روان‌شناختی است که در روزگاران قدیم رخ داده. این داستان ممکن است به نظر خواننده‌های

می‌کنند (در کتابخانه‌های کودکان، بیش‌تر کتابدارها خانم هستند).

کتابدارها حتی کتاب‌ها را بیرون از کتابخانه، مثلاً به مراکز نگهداری کودکان و یا به مراکز کاربابی هم می‌برند، ولی بیش‌تر با آموزگاران و مربیان پیش‌دستانی همکاری می‌کنند. بسیاری از معلم‌ها از کتاب‌های داستانی یا غیرداستانی، به جای کتاب‌های درسی استفاده می‌کنند و گاهی هم از همین کتاب‌های داستانی و غیرداستانی، به عنوان کتاب‌های کمک‌آموزشی سود می‌برند. از این‌رو، کتابدارها نقش اساسی در زمینه انتخاب کتاب دارند. البته در مدارس، از این کتاب‌ها فقط برای درس‌های عادی استفاده نمی‌شود. کتاب سر کلاس خوانده و در مورد آن و آنچه مربوط به آن است، بحث می‌شود. به کمک ادبیات کودکان، می‌توان در مورد نظریه‌های دموکراسی، تفاهم متقابل، ملاحظات اخلاقی، فرهنگ‌های گوناگون و جز آن بحث کرد. کتابدارها سر کلاس می‌روند و کتاب‌هایی را معرفی می‌کنند تا کودکان در اوقات فراغت بخوانند و نیز آن‌ها را با کتاب‌های بسیار خوبی که تا آن لحظه ندیده‌اند، آشنا می‌کنند.

ما در سوئد بسیار مشتاقیم که کودکان زیاد بخوانند. می‌توان با خواندن بیش‌تر، خواننده بهتری شد. برای خواندن راحت، باید تمرین زیادی کرد. ۳۰ سال پیش، در دهه ۱۹۷۰، ادبیات کودکان به آموزش، توصیف مسائل و آشنا کردن کودکان با جامعه گرایش داشت. کتاب‌های زیادی داشتیم که در مورد چگونگی عملکرد جامعه، اداره پست، برق، بازدید کودکان از نانواپی یا یک کارخانه بود. کودکان اعضای یک جامعه مدرن هستند و حق دارند همه چیز را بدانند. چنین چیزهایی ۳۰ سال پیش تازگی داشت، ولی امروزه

کودک بیش از حد پیچیده برسد، ولی چنین نیست و در میان مخاطبین کودک، طرفداران زیادی دارد. موضوع آن را به صورت نمایش برای اجرا در صحنه درآورده‌اند و اخیراً هم فیلمی از آن ساخته‌اند. این داستان سؤالات مهمی درباره فلسفه هستی مطرح می‌کند.

فقط مشکل این‌جاست که بزرگ‌ترها به این کتاب از دید یک کودک نگاه نمی‌کنند. در واقع، آن‌ها «کودک را نمی‌بینند»؛ یعنی همان موضوعی که در نمایشگاهی به همین نام، بسیار به آن پرداخته‌اند. بنابراین، این کتاب نیز در مورد کودکان، سؤال‌های آن‌ها و مشکلات بشری است؛ حتی اگر به عنوان یک داستان بلند تاریخی نوشته شده باشد و زمان وقوع آن به خیلی پیش‌ترها برگردد.

تا این‌جا من به نمونه‌هایی اشاره کرده‌ام که نشان می‌دهد در ادبیات کودکان، ما به چه چیزهایی بیش‌تر اهمیت می‌دهیم. سؤال بعدی این است که ما چگونه با این کتاب‌ها کار می‌کنیم؟ واقعیت این است که بزرگ‌ترها در کتابخانه‌ها و در مدارس، در هسمه سطوح با کودکان و کتاب‌های‌شان کار می‌کنند.

شما کتابدارها را مانند عنکبوتی که در تار خودش قرار گرفته، در کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های مدارس می‌بینید. در سراسر کشور، ما کتابخانه‌های عمومی داریم که همیشه یک بخش ویژه کتاب‌های کودکان دارند و یا حداقل گوشه‌ای از آن را به این قسمت اختصاص داده و کتاب‌ها با توجه خاصی انتخاب شده‌اند. کتابدارها برای خدمت به مراجعان خود فعالیت می‌کنند. آن‌ها شبکه ارتباطی گسترده‌ای دارند و با افرادی که به نوعی با کودکان سروکار دارند، همکاری

بی‌انصافی کرده‌ایم. شنیدن همان قدر دارای اهمیت است. معلم‌ها و کتابداران، برای کودکان کتاب زیاد می‌خوانند و می‌کوشند که والدین را هم به این کار ترغیب کنند. یکی از راه‌ها این است که قصه‌های عامیانه و افسانه‌های پریان برای آن‌ها بگوییم. داستانگویی یکی از اشتغالات خوب مورد علاقه ماست. کار کردن با داستان‌های بامزه، فان‌تنزی، شاعرانه و هیجان‌انگیز به روش پداگوژیک، بسیار خوب است. گرچه وقایع این آثار در دنیای تخیلی می‌گذرند، ولی سروکارشان با چیزهای واقعی است و اهمیت‌شان در این زمان، همانند روزگاران پیشین است.

این داستان‌ها تلاش آدمیان را برای غلبه بر ترس و خطر، بداقبالی و فقر بیان می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه شجاعت و پاکدلی، با آراسته شدن به صفات وفاداری و هوشیاری، می‌تواند بر بدسرشتی انسان‌ها فایق آید و حتی تقدیر بدفرجام را تغییر دهد. چنین داستان‌هایی مستقیم با قلب و تخیل کودکان ارتباط برقرار می‌کنند.

قصه‌گویی بخشی از توجه ما را جذب می‌کند. قصه‌ها و قصه‌گوها پل می‌زنند. قصه‌ها از کشورهای مختلف و فرهنگ‌های مختلف هستند و در سراسر دنیا تقریباً به یک شکل بیان می‌شوند. ما در کشور خود، تعداد زیادی مهاجر و پناهنده داریم که نسل اول و یا نسل دوم هستند. در مدارس شاگردانی از سایر کشورها داریم که از آن‌ها می‌خواهیم بخشی از ساعات ادبیات را با قصه‌های بومی خودشان پر کنند. اما کودکان بسیاری از کشورها، کتاب‌هایی که به وسیله نویسنده‌های بومی نوشته شده باشند، ندارند و یا اگر دارند، زبان سوئدی ترجمه نشده است. به هر حال، همیشه قصه‌هایی پیدا می‌شود. برای کودکی که در

چنین نیست و به ندرت مطرح می‌شود. چیزی که در حال حاضر برای ما اهمیت دارد، زبان است؛ زبان مادری ما. ما به خوبی آگاهیم که نه تنها مهارت در خواندن اهمیت دارد، بلکه باید بتوانیم منظور خود را به دیگران انتقال دهیم و آن‌چه را دیگران می‌گویند، خوب درک کنیم. ما توجه داریم که خواندن داستان، آسان‌ترین راه برای رسیدن به این مقاصد است. فقط با خواندن داستان است که خواننده، هم لذت می‌برد و هم مهارت‌های ذکر شده را تقویت می‌کند.

همه کودکان به خوبی قادر به خواندن نیستند. آن‌ها کندتر از سایرین یاد می‌گیرند و ممکن است مشکلات گوناگون در خواندن داشته باشند. ادبیات کشور ما به این موضوع هم توجه دارد. کتاب‌های متعددی به نام «خواندن آسان» داریم که آن‌ها را در سطح گسترده‌ای چاپ می‌کنیم. این کتاب‌ها برای نوسوادان، کودکانی که در خانه عادت به خواندن ندارند و آن‌هایی که از توانایی خواندن برخوردار نیستند، چاپ می‌شود. کتاب‌هایی از این دست را بهترین نویسنده‌های ما می‌نویسند که البته نوشتن چنین کتاب‌هایی، چنان نویسندگانی را هم می‌طلبد. محتوای کتاب باید هم جذاب باشد و هم قابل فهم. زبان باید ساده باشد و در عین حال، روشن و زیبا و تا اندازه‌ای هم شاعرانه و توصیفی باشد. این کتاب‌ها معمولاً از نظر تصویر غنی هستند و بهترین تصویرگران روی آن‌ها کار می‌کنند. این کتاب‌ها انواع مختلفی دارند و کم‌وبیش ساده و کم‌حجم هستند. هدف این است که این کتاب‌ها برای هر خواننده‌ای و با هر سطح از توانایی خواندن جذاب باشد. ما به داشتن چنین کتاب‌هایی مباحثات می‌کنیم.

اگر بگوییم خواندن، فقط زبان را غنی می‌کند،

یک کشور خارجی زندگی می‌کند، خیلی ارزش دارد که قصه‌ای از کشور خودش بشنود و ببیند که هم‌کلاسی‌های‌اش هم از آن قصه لذت می‌برند. به عنوان مثال، کودکان کشورهای عربی - که تعداد زیادی از آن‌ها در کشور ما زندگی می‌کنند - چندین کتابی که از کشورهای خودشان به سوئدی ترجمه شده باشد، ندارند، اما قصه‌های هزارویک‌شب را با روایت‌های گوناگون داریم که در میان قصه‌های خوب دیگر، نقش پل ادبی را در بین شاگردان ایفا می‌کند.

البته، مالکله و دمنه (Kalila and Dimna) را هم داریم، اما این قصه برای بچه‌ها نیست. باید خاطر نشان کنم که اخیراً ترجمه سوئدی قصه‌های مصر قدیم به بازار آمده است که مسلماً کافی نیست.

در ضمن، این را هم بگویم که در سفر قبلی، در همین سال، در کتاب‌فروشی‌های Luxor به دنبال کتاب کودک می‌گشتم. چیزی جز قصه‌های قدیمی پیدا نکردم که آن هم بیش ترشان درباره Ramses بود و بعضی از قصه‌های حیوانات از قصه‌های هزارویک‌شب.

بنابراین، در این سفر به قاهره، برای شرکت در این کنفرانس، امیدوارم در مورد کتاب‌هایی که امکان ترجمه‌شان به سوئدی وجود داشته باشد، پیشنهادهایی بگیرم. ترجمه امری ضروری است. با این‌که ادبیات کودک ما در سوئد بسیار غنی است، اما در کنار آن‌ها کتاب‌های ترجمه شده هم داریم. در سوئد، همه ساله حدود ۱۲۰۰ عنوان کتاب برای کودکان چاپ می‌شود که نیمی از آن‌ها ترجمه است. ما بهترین کتاب‌هایی را که بتوانیم، تهیه و به زبان سوئدی ترجمه می‌کنیم. کتاب‌ها

فوق‌العاده هستند. ما می‌توانیم بهترین‌ها را انتخاب کنیم. البته، اگر داور ما براساس کیفیت ادبی کتاب‌ها باشد، کتاب‌های نه‌چندان خوب هم وجود دارند؛ همان‌طور که در میان کتاب‌های سوئدی هم کتاب‌های نه‌چندان خوب وجود دارد. انتخاب همیشه با ناشر است که ببیند چه چیزی را می‌تواند به فروش برساند. متأسفانه، باید بگویم واقعیت این است که ما کتاب‌های بی‌ارزش هم داریم. ترجمه‌ها نقش دیگری هم دارند؛ می‌توانند تأثیر خوبی بر نویسندگان و تصویرگرها داشته باشند. ما در سوئد، این تأثیر را به عنوان مثال، از شعرهای کودکان در انگلستان، کتاب‌های «آسان برای خواندن» دانمارکی و از فضا و فضا سازی شرقی در کتاب هزارویک‌شب، روی کتاب‌های خود می‌توانیم ببینیم.

من دوباره به عبارت «کتاب‌ها پل هستند»، برمی‌گردم. اگر کتاب‌ها پل بین کشورها هستند، پس ترجمه یک ضرورت است.

این تجربه که همه کودکان جهان پرسش‌ها و احساس‌های اساسی مشترکی دارند، تجربه باارزشی است. این فکر که مردمانی که در سرزمین‌های متفاوت زندگی می‌کنند، سنت‌های متفاوت دارند، فکر باارزشی است. درک این نکته که وقتی درباره کودکی از سرزمین دیگری می‌خوانی، در قلب خود همان احساس نزدیکی و دوستی‌ای را کشف می‌کنی که وقتی درباره کودکی از سرزمین خود می‌خوانی نیز درک باارزشی است. به نظر من، کتاب‌ها راه‌های شکوهمندی برای رسیدن به تفاهم بین‌المللی هستند؛ راه‌هایی برای رسیدن به صلح جهانی در آینده. آیا شما راه بهتری می‌شناسید؟